

چگونه از زندگی دست بشوئیم و دلشوره آغاز کنیم

گفتگوهای با

سایمون کریچلی

ترجمه‌ی مهرناز پارسا



سرشناسه: کریچلی، سایمون، ۱۹۶۰ م. Critchley, Simon.

عنوان و نام پدیدآور: چگونه از زندگی دست بشوییم و دلشوره آغاز کنیم/ سایمون کریچلی؛ ترجمه‌ی مهرداد پارسا.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات شَوند، ۱۳۹۶. ● مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

فروست: فلسفه ● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۱-۷-۳ ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی:

How to Stop Living and Start Worrying: Conversations with Carl Cederström, 2010.

موضوع: مرگ ● موضوع: نیهیلیسم (فلسفه)

شناسه افزوده: پارسا خانقاه، مهرداد، ۱۳۶۳ - مترجم

ردمبندی کنگره: ۱۳۹۵ ج۸ ۴/ک۴ ب ۸۲۸/۳ ● ردمبندی دیویی: ۱۴۹/۸ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۷۸۸۳۵

How to Stop Living and Start Worrying

Simon Critchley

Mehرداد Parsa



آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه‌ی روشن، پلاک ۴۰، طبقه‌ی ۲، واحد ۵

کد پستی: ۱۴۱۵۸۵۳۴۴۶ | تلفن: ۵۵۶۷۶۳۱۳ - ۲۱

www.shavandpub.ir | shavandpublication

ناشر: شَوند

چگونه از زندگی دست بشوییم و ... سایمون کریچلی مهرداد پارسا

چاپ سوم: پاییز ۱۴۰۲، تهران تیراژ: ۳۰۰ نسخه قیمت: ۱۷۰۰۰۰ تومان

ویراست دوم

چاپ و صحافی: طهرانی

طرح روی جلد از میثم پارسا

ISBN: 978-600-95761-7-3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۱-۷-۳

Printed in Iran

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

۷	درآمد
۱۵	۱. زندگی
۴۵	۲. فلسفه
۵۷	۳. مرگ
۸۵	۴. عشق
۱۰۵	۵. طنز
۱۳۳	۶. اصالت
۱۵۷	کتاب‌شناسی
۱۶۵	نمایه‌ی نام‌ها

درآمد

کارل سیدشترم^۱

گفتگوهای گردآمده در این کتاب، در حکم معرفی و مروری‌اند بر تفکر سایمون کریچلی که از فیلسوفان به‌غایت تأثیرگذار، بحث‌انگیز، جذاب، خلاق و طنز زمانه‌ی ما است. کریچلی علاوه بر بحث‌هایی بر سر سرشت و رسالت‌های فلسفه، تأملاتی به یادماندنی درباره‌ی زندگی، مرگ، عشق، طنز و اصالت را نیز به خواننده ارزانی می‌دارد. این موضوعات متنوع جملگی با لحنی صریح و بی‌طرفانه بررسی شده‌اند و با طنزی سیاه و سازش‌ناپذیر در هم آمیخته‌اند. این موضوعات بی‌وقفه به ناخوشی‌های زمانه‌ی ما اشاره می‌کنند، و حتی برای کسانی که فلسفه را فعالیتی متعلق به خواص می‌دانند مدخلی فراهم می‌آورند عمیقاً سرگرم‌کننده و آسان‌یاب برای ورود به آن.

سایمون کریچلی هم‌اکنون صاحب کرسی و استاد فلسفه در نیواسکول یا مدرسه‌ی جدید پژوهش‌های اجتماعی^۲ در نیویورک است، که البته نقش او در مقام فیلسوف از مرزهای دانشگاه بس فراتر می‌رود. اغلب برای نیویورک تایمز و گاردین مطلب می‌نویسد، و دغدغه‌ی جدی و مشتاقانه‌ی وی نسبت به موضوعاتی چون آنارشیسم، سیاست مقاومت، جنبش‌های اجتماعی و کردار هنر تجربی او را در کنار آلن بدیو، مایکل هارت، آنتونیو نگری و اسلاوی ژیزک، به سخنگوی نسل

۱. Carl Cederström، استاد مطالعات سازمانی در دانشگاه استکهلم است. از او تاکنون کتاب‌های سندروم سلامتی (همراه با آندره اسپایسر) و کار کردن مرد مرده (همراه با پیتر فلمینگ) به چاپ رسیده است. م

2. New School for Social Research

سیاتل^۱ بدل کرده است. کریچلی می گوید، تأثیر جانبی و تأسف بار این اشتغال این است که «از بد روزگار فرد به یک برّند تبدیل می شود»، اما گویا کریچلی به این تقدیر تن می دهد. می گوید، فلسفه «تنها فعالیتی دانشگاهی یا حرفه ای» نیست، بلکه فعالیتی است مستلزم «در معرض دید قرار گرفتن و خطر کردن».

خلاصه کردنِ فیلسوفی چون کریچلی که آثارش پیوسته در مسیرهای گوناگون و غیرمنتظره پیش می روند، جهدی مخاطره آمیز است. این کار در بهترین حالت نگاهی باز و گشوده را می طلبد و در بدترین حالت، متفکر را به مستی کلیشه و شعار بدل می کند: چیزی چون کالا. اما از این گفتگوها دستگیرمان می شود که کریچلی نه کالا است و نه برند. نمی توان آثار او را به خط فکری واحدی تقلیل داد. خودش می گوید: «با جان و دل امیدوارم هر کاری که می کنم و هر چه می گویم روی هم تلنبار نشود و قابل جمع بندی نباشد».

گذشته از این هشدار، می توانیم بگویم آثار کریچلی یکسره در سنت فلسفه ی قاره ای جای می گیرند. او با تلفیق خوانش هایی دقیق از روسو، هایدگر، دریدا، لویاتس و بلانشو، همراه با توصیفاتی آسان یاب از طنز و اشکال معاصر مقاومت سیاسی، شرح جذاب و سرزننده ای از فلسفه و تاریخ فلسفه ارائه می دهد. او بی وقفه از این شاخه به آن شاخه می پرد، و موضوعاتی چون ارتباط درونی و پیچیده ی میان فلسفه و شعر، مسئله ی نیهیلیسم و طنز، رابطه ی میان اخلاق و سیاست، و روان کاوی را درمی نوردد. وجه مشخصه ی رویکرد او، چه موضوع بحث اش خنده باشد و چه مرگ، این است که حتی وقتی به حوزه هایی می انجامد که از نظر اخلاقی ایمن نیستند، بی هیچ هراسی رشته ی تفکر را دنبال می کند. او می گوید: «گاهی تنها به این دلیل یک مسیر را دنبال می کنم که برایم جذاب است»، و اضافه می کند: «هیچ اخلاقیاتی در نوشتن وجود ندارد».

۱. Seattle generation، جنبشی که در اعتراض به سیاست های سازمان تجارت جهانی و تمرکز یافتن نهادهای سیاسی و اقتصادی از سال ۱۹۹۹ آغاز شد و فعالیت اصلی اش مبارزه با جریان جهانی سازی و نهادهای بین المللی و شرکت های چندملیتی بود. م

امروزه فلسفه را به اشتباه فعالیتی خودمدارانه تلقی می‌کنند که به دست متفکران پرنخوت و خودخوانده‌ای که از هر تماسی با فرهنگ گریزان‌اند، تولید شده است (و بی‌شک هستند حلقه‌هایی که سخت کار می‌کنند و از طریق بحث‌هایی بی‌طرفانه و مبسوط درباره‌ی مسائلی که ارتباطی با فرهنگ ندارند، صحت این قضاوت را ثابت می‌کنند). با این همه، آن‌چه در آثار کریچلی می‌یابیم به کلی خلاف این گرایش است. او به پیروی از تعریف هگل از فلسفه به «زمانه آن‌گاه که به فهم درمی‌آید»، چه در بحث از جنبش‌های اجتماعی و چه فرهنگ عامه یا باراک اوباما، با نگاهی همیشگی به زمان حال دست به قلم می‌برد.

این تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی به‌ویژه از آن رو جذاب و گیرا هستند که از دیدگاه‌های شخصی خود کریچلی پرده برمی‌دارند. او به‌صراحت توان براندازنده‌ی گروه‌هایی چون «یابستا»^۱ و انجمن نامرئی^۲ را تحسین می‌کند، برادران مارکس را می‌ستاید و جنبش خودداری^۳ را به دیده‌ی تحقیری سازنده می‌نگرد. اما گرچه شاید با جریان‌های دیگر برخوردی بی‌رحمانه داشته باشد، همواره کوبنده‌ترین تمسخر را برای خود نگه می‌دارد.

این بینش خودنقدانه به اشکال مختلفی ظاهر می‌شود. در سطح شخصی، زمانی آن را می‌بینیم که کریچلی توضیح می‌دهد در نقش حرفه‌ای خود در مقام فیلسوف و آموزگار از بی‌اعتمادی به خود و تردیدهای درونی‌اش عذاب می‌کشد. اما از آن هم مهم‌تر، این خصلت را در نوشته‌های نظری و به‌ویژه نوشته‌هایش درباره‌ی طنز می‌یابیم که در آن‌ها تمام‌قد از سوژه‌ی شقاق‌یافته‌ای که به‌ناگزیر

۱. Ya Basta، انجمن ضدسرمایه‌داری ایتالیا که در سال ۱۹۹۴ شکل گرفت و در قالب نمایش‌های خیابانی و تظاهرات غیرخشونت‌آمیز به فعالیت می‌پرداخت. م

۲. Invisible Committee، انجمن نویسندگان گمنام آنارشیزت که فعالیت‌های مخفیانه‌شان سوژه‌ی تحقیقات «ضدتروستی» پلیس فرانسه شده است. بنابر شواهد اندک ژولین کوپا ریاست گروه را بر عهده دارد و اعضای آن همان نویسندگان سابق مجله‌ی تیکون (۲۰۰۰-۱۹۹۱) هستند. م

3. self-help

ناصیل^۱ است جانبداری می‌کند. کریچلی از روان‌کاوی ایده‌ی سوژه‌ی دوباره^۲ - یا مفهومی که سوژه‌ی «انشقاقی»^۳ می‌نامد - را به عاریه می‌گیرد و مرادش از آن سوژه‌ای است که توان منطبق شدن با خویش را ندارد. همین ساختار یا مضمون، در قلب خوانش کریچلی از آثار ساموئل بکت نیز خودنمایی می‌کند. به گمان او، سوژه‌های بکتی ساکنان جهانی گناه‌آلودند که در بطن آن نه توان زیستن دارند و نه توان مردن. و با این همه، شجاعانه عجز و ناتوانی خود را می‌پذیرند و مشتاقانه به راه خود ادامه می‌دهند.

یکی از راه‌های درک مفهوم سوژه‌ی انشقاقی، توجه به فرهنگِ امروزی و فراگیرِ خودیاری است. بر خلاف کتبِ راهنمای خودیاری و از آن جمله راهنمای کلاسیک دهه‌ی چهل یعنی، چگونه از دلشوره دست بشویم و زندگی آغاز کنیم که تکنیک‌های مبسوطی را برای کنترل بر نفس و مدیریت کارهای روزانه ارائه می‌دهد، کتاب حاضر که عنوانِ چگونه از زندگی دست بشویم و دلشوره آغاز کنیم را بر پیشانی دارد، رویکرد متفاوتی ارائه می‌دهد - این که در جهانی که با نابرابری‌های فزاینده، خشونت سیاسی، تخریب زیست‌بوم، جنگ و کشمکش‌های قومی تعریف شده، دلایل خوبی برای نگران بودن و دلشوره داشتن وجود دارد؛ و در زمانه‌ای که مرگ به واپسین تابوی اعظم بدل شده، بر ماست که هنر فلسفیِ خوب مردن را احیا کنیم: هنر مردن^۴.

کتاب حاضر شش فصل دارد. فصل نخست شرحی است بیوگرافیک بر زندگی

1. inauthentic

2. split

3. dividual

۴. کریچلی به پیروی از آموزه‌های متفکران باستان فلسفه را تاحدی همان هنر مردن یا *ars moriendi* می‌داند، اما این ترکیب همچنین اشاره دارد به متن‌هایی به زبان لاتین به سال ۱۴۵۰ که گویی در پی وحشت برآمده از بیماری‌های مرگبار قرون وسطا مانند طاعون یا مرگ سیاه، به شرح هنر نیک مردن بر اساس آموزه‌های مسیحی می‌پرداختند و می‌کوشیدند با نشان دادن جنبه‌های مثبت مردن، آدمی را در برابر هراس از مرگ تسکین دهند. این متن‌ها به زبان‌های بسیاری ترجمه شده‌اند و نخستین متون مستقل درباره‌ی مرگ به حساب می‌آیند. م

کریچلی: از اوان کودکی، پس‌زمینه‌ی خانوادگی، ناکامی در تحصیلات رسمی، فضای پانک و جراحت خطرناک او در محیط صنعتی با آن تأثیرات روانی بسیارش تا سال‌های سازنده‌ی دانشگاه اسکس^۱ و عاقبت زندگی در نیویورک و چهار گوشه‌ی جهان.

جهت‌گیری کریچلی در فلسفه که در فصل دوم آن را ترسیم می‌کند، گرایشی است منکر وجود شکاف و جدایی میان فلسفه و فرهنگ. به باور او، فلسفه از پایه و اساس «خصالتی بومی» دارد و «باید بخشی از حیات یک فرهنگ را شکل دهد». بنابراین، نباید فلسفه را تنها فعالیتی حرفه‌ای یا آکادمیک دانست و در عوض باید فعالیتی تلقی‌اش کرد که قصدش به چالش کشیدن وضع موجود در موقعیت اجتماعی-سیاسی امروز است. این بینش - که کریچلی را به هوسرل و هایدگر بازمی‌گرداند - می‌خواهد بگوید، وظیفه‌ی فیلسوف ارائه‌ی «تبارشناسی‌هایی است که بحران ایجاد می‌کنند»^۲ روزگار تاریک فیلسوف وضعیتی خواهد بود که در آن بحران تشخیص داده نشود زیرا از نظر کریچلی در چنین وضعیتی «مردم به سطح چهارپایانی خجسته تنزل پیدا می‌کنند، و به نوعی سرخوشی گاو‌منشانه دچار می‌شوند که به صورتی روشمند با سعادت و نیکبختی خلط شده است».

در فصل سوم که به مسئله‌ی مرگ می‌پردازد، کریچلی با این ادعای هایدگر آغاز می‌کند که مرگ «امکان ناممکنی»^۳ است. به اعتقاد هایدگر، مرگ موضوعی است مربوط به من و حقیقت این است که کسی نمی‌تواند جای من بگیرد. کریچلی اما با این استدلال زاویه دارد و ادعایش این است که مرگ از دروازه‌ی مرگ دیگران وارد زندگی می‌شود. او برای طرح این بحث به بلانشو و لویناس استناد می‌کند که مرگ را «ناممکنی امکان»^۴ می‌دانند. این اندیشه که مرگ دیگر امکانی برای سوژه

1. Essex

2. possibility of impossibility

3. impossibility of possibility

نیست، با تفصیل بیشتر از خلال نمایشنامه‌های ایسن، فاندرا اثر راسین^۱ و آثار بکت بررسی می‌شود. در این فصل شاهد شرح مبسوطی از کتاب پرفروش او، کتاب فیلسوفان مرده (۲۰۰۹) نیز خواهیم بود که از عبارت مشهور موتنتی الهام گرفته است، «فلسفه‌ورزی آموختن چگونه مردن است». کریچلی گرچه از آرمان مرگ فلسفی (تا حد خاصی) دفاع می‌کند، توضیح می‌دهد که چگونه بیش از پیش نسبت به درستی آن به شک افتاده است.

موضوعی که از دیرباز آثار کریچلی را درنور دیده و عجیب است که تا به امروز درباره‌ی آن سکوت کرده، مسئله‌ی عشق است. در فصل چهارم، کریچلی با بازگشت به عرفان قرون وسطا و از آن جمله جنبش روح آزاد و شخصیت جذاب مارگریت پورت^۲، عارفه بلژیکی که در سال ۱۳۱۰ در پاریس به شعله‌های آتش سپرده شد، تصویر جذابی از عشق ترسیم می‌کند. به باور پورت عشق چیزی است مربوط به عشق الهی. او با زبان دراماتیک خود می‌گوید، «آدمی باید دل و جان خود را شرحه شرحه کند و ترک خویش کند تا فضایی ایجاد شود که برای ورود عشق وسعت لازم را داشته باشد». کریچلی به تبع پورت و با گوشه‌ی چشمی به آن کارسون^۳ شاعر، اظهار می‌کند که «عشق کنشی از سر شهامت معنوی مطلق است که اندرونی خود پیشین را خالی می‌کند تا چیزی جدید به وجود بیاید». تا پایان فصل چهارم این اندیشه‌ها در پیوند با مازوخیسم، مالکیت و سکسوالیته‌ی زنانه و مردانه به بحث گذاشته می‌شود.

فصل پنجم به نظریه‌ی کریچلی درباره‌ی طنز می‌پردازد، مفهومی که بر پایه‌ی تعریفی که ارائه می‌شود، می‌تواند موقعیت فعلی مان را زیر و رو کند: لطیفه‌ها «در توقعات معمول ما از جهان تجربی شکاف ایجاد می‌کنند». آن‌ها مجال مان می‌دهند که همه چیز را از زاویه‌ای متفاوت بنگریم، نمونه‌ای از آن در مثال فروید

1. Jean Racine

2. Marguerite Porete

3. Anne Carson

می‌آید، «مردی محکوم به اعدام صبح اجرای حکم سلول‌اش را ترک می‌کند، به حیاط می‌رود و چوبه‌ی دار و سرنوشت‌اش را بالای سرش می‌بیند و به آسمان نگاهی می‌کند و می‌گوید: «خب، هفته داره خوب شروع می‌شه»». آموزه‌ی این لطیفه این است که طنز به ما مجال می‌دهد به خودمان از بیرون بنگریم و لاجرم به خود بخندیم. و کریچلی اظهار می‌کند که این برخورد چیزی است برابر با اقرار و تصدیق کمیک. سوژه‌ی کمیک فناپذیری و تناهی را چنان حقیقتی سبعانه می‌پذیرد، اما مانند شخصیت‌های آثار بکت همچنان به راه خود ادامه می‌دهد. کریچلی با پیوند زدن این سوژکتیویته‌ی کمیک به اخلاق، بحث را به سطحی دیگر می‌کشد و در جهت سوژکتیویته‌ی اخلاقی مبتنی بر تجربه‌ی وجدان استدلال می‌کند.

یکی از ویژگی‌های شاخص آثار کریچلی علاقه‌ای است که به همکاری دارد، و آثار مشترک او با هنرمند فرانسوی، فیلیپ پرنو^۱ و جیمسون وبستر^۲ روان‌کاو به این علاقه گواهی می‌دهند. فصل پایانی - فصل ششم - گفتگویی است سه‌نفره که همکار دیرین کریچلی، تام مک‌کارتی^۳، نویسنده‌ی رمان‌هایی چون بازمانده و انسان‌ها در فضا نیز در آن شرکت دارد. طی دهه‌ی گذشته، کریچلی و مک‌کارتی متن‌ها و بیانیه‌های متعددی درباره‌ی ارتباط میان فلسفه و ادبیات به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. با این همه، عمدتاً به لطف انجمن بین‌المللی دریانوردان مرده (INS) بود که همکاری آن‌ها شکل متمرکزتری پیدا کرد. این انجمن در قالب پروژه‌ای در هنر مفهومی^۴ آغاز شد، اما اکنون به سازمانی نیمه‌خیالی بدل شده که مک‌کارتی دبیر کل و کریچلی فیلسوف ارشد آن است. انجمن بین‌المللی دریانوردان مرده از نظر فرم عمیقاً وام‌دار جریان آوان‌گارد تاریخی است: از فوتوریست‌ها و سوررئالیست‌ها

1. Philippe Parreno

2. Jamieson Webster

3. Tom McCarthy

4. conceptual art

گرفته تا موقعیت‌گرایان. اما وجه تمایز این انجمن از سایر جنبش‌های مذکور، بت‌واره ساختن مرگ است که واکنشی است به بت‌واره ساختن تکنولوژی از سوی فوتوریست‌ها. در مانیفست اول مک‌کارتی می‌خوانیم: «مرگ فضایی است که قصد داریم مساحتی‌اش کنیم، واردش شویم، به استعمارش بگیریم و عاقبت در آن خانه کنیم». در گفتگوی ما، مک‌کارتی توضیح می‌دهد که از دید او پرسش نهایی به سوژه و رابطه‌ی او با مرگ مربوط می‌شود. به جای دفاع از سوژکتیویته‌ای تراژیک که به قول وی، «در برابر مرگ می‌ایستد تا به اصالت دست یابد»، او از سوژکتیویته‌ی طنزآمیز و کمیک دفاع می‌کند که «نمی‌تواند خودش باشد و به آن چه می‌خواهد بدل شود». گذشته از این مضامین - که عمدتاً حول شکل‌گیری انجمن بین‌المللی دریل‌نوردان مرده و اشتغال آن به فلسفه و ادبیات می‌چرخد - این گفتگوها به علم عصب‌شناسی و پسااومانیسم نیز می‌تازند و همین‌طور به رویه‌ای که کریچلی و مک‌کارتی و سوامی تأسف‌آور نسبت به آینده می‌نامند. کریچلی با بیانی گیج‌کننده می‌گوید: «آینده دشمن تفکر رادیکال است. مانع از تفکری جذاب می‌شود و مرتجعانه است».

ایده‌ی این کتاب از مجموعه‌ای تلویزیونی در شبکه‌ی تی‌وی ۸ تلویزیون سوند در اوایل سال ۲۰۰۹ گرفته شده است. در چهار اپیزود این برنامه، من و کریچلی به اتفاق سه مهمان مدعو، درباره‌ی ماهیت فلسفه، مرگ، شعر و فلسفه، و ارتباط میان علم و دین بحث‌هایی داشتیم. این کتاب فرصت خوبی به دست داد تا این مباحث را بسط دهیم و پرورانیم.

در نهایت، مایل‌ام از اما هاجینسون، جان تامپسون، تاد کیلمن و پیتز فلمینگ به خاطر اصلاحات و ویرایشی ضروری قدردانی کنم.